

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

ابهام‌زدایی از حواشی مذهبی بحران کرونا و توصیه‌هایی برای مواجهه‌ی بهتر با شرایط

موجود

۳. تعارض امن معرفی شدن شهر قم در روایات با شیوع بیماری کووید ۱۹ از قم

کلیدواژه‌ها: امنیت شهر قم؛ مرکز توسعه‌ی کرونا؛ لزوم بررسی اعتبار سند احادیث ناظر بر امنیت شهر قم؛ زمان‌مند بودن امنیت بیان شده برای قم در احادیث؛ احادیث ناظر بر تعرض به قم؛ مرکز نشر و ترویج معارف دینی بودن قم؛ امنیت اعتقادی و فرهنگی؛ باطن حرم حضرت معصومه علیها السلام، فضای امن؛ وقوع تعرض به فضای فیزیکی حرم‌ها؛ بیوتروریسم؛ آسیب به کانون روحانیت و قلب انقلاب.

یکی از شبهه‌هایی که این روزها مطرح است، این است که این‌همه در روایات داریم در آخرالزمان قم تنها محل امن است و شیعیان برای امنیت به آنجا پناه ببرند. اگر ماجرا این‌طور است، پس چرا اصلاً مرکز توسعه‌ی کرونا و بیماری کووید ۱۹ خود قم شد؟ دشمنان دین، ولایت و تشیع دارند روی اینها کار می‌کنند، تا باورها را تخریب کنند.

در رابطه با روایاتی که شهر قم را در آخرالزمان محل امن معرفی کرده‌اند و توصیه فرموده‌اند که در خطرات به این شهر پناه ببرید و اگر پناه ببرید، در امنیت خواهید بود<sup>۱</sup> و همین‌طور روایاتی که دعایی را برای در امان ماندن اهل قم از زبان امامی نقل می‌کنند<sup>۲</sup> همین‌طور توصیفات تجلیل‌آمیزی که در مورد اهالی قم از زبان ائمه علیهم‌السلام نقل شده است<sup>۳</sup>، در رابطه با این روایات، جا دارد چند نکته مورد توجه قرار گیرد.

نکته‌ی اول این است که اعتبار سندی این احادیث باید بررسی شود؛ و دیده شود آیا همه‌ی این احادیث، معتبر و قابل اعتماد هستند؛ یا در بین اینها برخی از احادیث از نظر سند چندان محکم نیستند و انتساب آنها به ائمه علیهم‌السلام یقینی نیست. پس بحث قوت یا ضعف سندی این احادیث یک بحث

<sup>۱</sup> از جمله‌ی روایات: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵: وَ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَزَةَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ وَ مُسْتَرَاخَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيَأْتِي زَمَانٌ يَنْفَرُ أَوْلِيَاؤُنَا وَ مُحِبُّونَا عَنَّا وَ يُبْعَدُونَ مِنَّا وَ ذَلِكَ مَصْلَحَةٌ لَهُمْ لِكَيْلَا يُعْرِفُوا بَوْلَانِنَا وَ يُحْفَنُوا بِذَلِكَ دِمَائِهِمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ مَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقَمٍّ وَ أَهْلِ سُوءٍ إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَ أَبْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ:

مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷ و بحرانی‌اصفهان‌ی، عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۴۵: وَ رَوَى مَرْفُوعاً إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ: إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانَ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ بِقَمٍّ وَ حَوَالِيهَا وَ نَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَرْفُوعٌ عَنْهَا.

مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷ و بحرانی‌اصفهان‌ی، عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۳۶: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْفَقِيهَ الْهُمْدَانِي فِي كِتَابِ الْبُلْدَانِ إِنَّ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِي رَوَى أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ أَسْلَمِ الْمَدِينِ وَ خَيْرِ الْمَوَاضِعِ عِنْدَ نُزُولِ الْفِتَنِ وَ ظُهُورِ السَّيْفِ فَقَالَ أَسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ أَرْضُ الْجَبَلِ فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانُ وَ وَقَعَتِ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَ طَبْرِسْتَانَ وَ حَرَبَتْ سِجِسْتَانَ فَاسْلَمُ الْمَوَاضِعِ يَوْمَئِذٍ قَمٌّ تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَا وَ أَمَّا وَ جَدًّا وَ جَدَّةً وَ عَمًّا وَ عَمَّةً تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الرَّهْرَاءَ بِهَا مَوْضِعٌ قَدِمَ جَبْرِئِيلُ وَ هُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي نَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مَنْ شَرِبَ مِنْهُ آمِنَ مِنَ الدَّاءِ وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ عَجِنَ الطِّينَ الَّذِي عَمِلَ مِنْهُ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ وَ مِنْهُ يَغْتَسِلُ الرِّضَا عليه السلام وَ مِنْ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ يَخْرُجُ كَبْشُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ عَصَا مُوسَى عليه السلام وَ خَاتَمُ سَلِيمَانَ عليه السلام.

<sup>۲</sup> از جمله‌ی روایات: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۸ و بحرانی‌اصفهان‌ی، عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۳۶: وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قَمٍّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قَمٍّ سَقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْعَيْثَ.

<sup>۳</sup> از جمله‌ی روایات: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۷ و بحرانی‌اصفهان‌ی، عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۴۸: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّبِيعِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى بِنَاغِ السَّابِرِيِّ قَالَ: كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فَجَرَى ذِكْرُ قَمٍّ وَ أَهْلِهَا وَ مِيلِهِمْ إِلَى الْمُهَدِيِّ عليه السلام فَتَرَحَّمَّ عَلَيْهِمْ وَ قَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَ وَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قَمٍّ وَ هُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ حَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَانْتَنَا فِي طِينَتِهِمْ:

است؛ که بعضاً هم در بین این احادیث مواردی وجود دارد که سند چندان محکمی برای آن دیده نشده است.

نکته‌ی دوم: حالا به فرض اینکه همه‌ی این احادیث یا بخشی از آنها، احادیث معتبری باشد و واقعاً از زبان ائمه علیهم‌السلام بیان شده باشد، این نکته مطرح می‌شود که آیا این احادیث یک امر عمومی و مستمر را در مورد شهر قم بیان می‌کند؟ یعنی همواره این‌گونه است؟ یا ناظر بر یک موقعیت تاریخی و یک زمان خاص است؟

تاریخچه‌ی شهر قم بیان شده است. اشعریون تحت فشار حکومتی و براساس مخالفتی که با حکومت امویان داشتند، مجبور شدند شهر خود را ترک کنند و به سمت ایران بیایند و در قم مستقر شوند. در اواخر دوران بنی‌امیه، اشعریون موفق شدند حکومتی در قم تشکیل دهند و قم را مستقل از حکومت بنی‌امیه اداره کنند. آنها گرایش‌های شیعی داشتند. اگر دقیقاً شیعه به معنای امروزی هم نبودند، ولی خیلی نزدیک بودند و بعدها هم جمع اشعریون قم کاملاً براساس عقائد شیعی شکل گرفت. این حکومت تا پایان دوران بنی‌امیه وجود داشت. بنی‌عبّاس هم که قدرت را به دست آوردند و بنی‌امیه را سرکوب کردند و کنار زدند، مزاحم اینها نشدند و این اشعریون توانستند قم را اداره کنند. در نتیجه در آن دورانی که فشار و خطر بنی‌امیه شیعیان را تهدید می‌کرد، شهر قم محل امنی برای شیعیان بود و توصیه می‌شد اگر کسی از شیعیان، خودش را در معرض خطر دید، به قم پناه ببرد. احتمال اینکه برخی از روایاتی که امنیت مردم قم را بیان کرده است، ناظر بر چنین شرایط زمانی باشد و یک امر عمومی و همیشگی نباشد، کاملاً قابل توجه است.

نکته‌ی دیگر هم اینکه آیا توصیفات خیلی برجسته‌ای که از ایمان و شایستگی‌های اهل قم شده است، هرکس را که در قم زندگی می‌کند، دربرمی‌گیرد؟ قطعاً اینگونه نیست. این توصیفات ناظر بر وجه غالب مردم جامعه‌ی قم است؛ یعنی در یک مقطع تاریخی، اکثریت مردم قم دارای چنان شایستگی‌هایی بوده‌اند. کما اینکه نقطه‌ی مقابل آن هم قابل تصوّر است. برای مثال، شما در زیارت

عاشورا بنی‌امیه را قاطباً لعن می‌کنید. این بدان معنا نیست که در بین بنی‌امیه حتی یک نفر انسان پاک، سالم، پیرو اهل بیت علیهم‌السلام و علاقه‌مند به ایشان وجود ندارد. طبیعتاً آنها جزء استثنائاتی هستند که از قاعده‌ی لعن خارجند. همان‌طور که در این مورد، ما می‌بینیم در عین یک حکم کلی، عقل و منطق می‌گوید افرادی که در ویژگی‌های حاکم بر اکثریت بنی‌امیه شریک نیستند از شمول آن لعن خارجند، طبیعتاً اگر جمع صالحی هم وجود داشته باشد و در بین آنها اقلیتی از افراد ناصالح هم باشند، وقتی آن جمع دارد تجلیل می‌شود، ناظر بر اکثریت است نه بر کل؛ یعنی افراد ناشایست را دربر نمی‌گیرد. بنابراین تجلیل‌هایی که از اهل قم شده است، می‌تواند چنین حکمی داشته باشد و همه‌ی اهالی و ساکنین قم را دربر نگیرد.

اما نکته‌ی جالب این است که در عین اینکه ما روایاتی داریم حاکی از اینکه اهالی قم در امن هستند و شهر قم محلّ امنی است، در نقطه‌ی مقابل آن، بعضاً ولو به ندرت، احادیث دیگری داریم که نشان می‌دهد قم در معرض تعرض قرار می‌گیرد؛ کشتاری در آنجا بر پا می‌شود و غارتی صورت می‌گیرد. در خُطَب ملاحم منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام از فردی به نام حسنی یاد شده که از طبرستان است؛ دست به شورش می‌زند و خیلی جاها را مورد تعرض قرار می‌دهد؛ شهرهای مختلف را کشتار می‌کند و امثال اینها. نهایتاً به قم هم می‌آید و در آنجا کشتار فراوانی می‌کند؛ ناامنی زیادی حاکم می‌شود و این حسنی غارت فراوانی از مردم قم انجام می‌دهد.<sup>۴</sup> صرف‌نظر از جنبه‌ی اعتبار سندی این احادیث، که گفتم همه‌ی این احادیث باید از نظر سند مورد بررسی قرار گیرد، تعارض بین روایاتی که قم را محلّ

---

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۵ و بحرانی‌اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۲۱، ص ۳۳۷. وَ فِي خُطْبَةِ الْمَلَا حِمٍ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام الَّتِي خَطَبَ بِهَا بَعْدَ وَقْعَةِ الْحَمَلِ بِالْبَصْرَةِ قَالَ: يَخْرُجُ الْحَسَنِيُّ صَاحِبُ طَبْرِسْتَانَ مَعَ جَمٍّ كَثِيرٍ مِنْ خَيْلِهِ وَ رَجُلِهِ حَتَّى يَأْتِيَ نَيْسَابُورَ فَيَفْتَحُهَا وَ يَقْسِمُ أَمْوَالَهَا ثُمَّ يَأْتِي أَصْبَهَانَ ثُمَّ إِلَى قُمَّ فَيَقْعُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِ قُمَّ وَقَعَةٌ عَظِيمَةٌ يُقْتَلُ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ فَيَنْهَزُهُمْ أَهْلُ قُمَّ فَيَنْهَبُ الْحَسَنِيُّ أَمْوَالَهُمْ وَ يَسْبِي دَرَارِيَهُمْ وَ نِسَاءَهُمْ وَ يُخَرِّبُ دُورَهُمْ فَيَفْرَغُ أَهْلُ قُمَّ إِلَى جَبَلٍ يُقَالُ لَهَا وَرَادَهَارُ فَيَقِيمُ الْحَسَنِيُّ بِأَيْدِيهِمْ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ يَقْتُلُ مِنْهُمْ عَشْرِينَ رَجُلًا وَ يَصْلُبُ مِنْهُمْ رَجُلَيْنِ ثُمَّ يَرْحَلُ عَنْهُمْ.

امن می‌داند با این‌طور روایات، نشان می‌دهد که احتمال تاریخ‌مند و زمان‌مند بودن بیان امنیت قم، قوی‌تر است و احتمالاً همیشه را دربر نمی‌گیرد.

البته یک احتمال دیگر هم به ذهن می‌آید. با توجه به احادیثی که وجود دارد ناظر بر اینکه قم پایگاه معارف شیعی می‌شود، حتی مرکزیت نجف در علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام به شهر قم منتقل می‌شود و قم مرکز نشر و ترویج معارف دینی می‌گردد، احتمال اینکه محل امن بودن ناظر بر امنیت اعتقادی و فرهنگی هم باشد، وجود دارد؛ که یعنی اگر کسی برود در شهر قم اقامت کند، به دلیل دسترسی به منابع دینی و عالمان دین که آنجا هستند، از معرض خطرات و لغزش‌گاه‌های اعتقادی آخرالزمان مصون خواهد بود. این احتمال هم وجود دارد؛ گرچه ظاهر احادیثی که نقل شده، بیشتر ناظر بر خطراتی است که جان و مال مردم را تهدید می‌کند؛ یعنی خطری که دشمن، حمله دشمن و تعرضاتی که دشمنان ممکن است بکنند؛ که گفته‌اند در آن صورت به شهر قم می‌شود پناه برد.

این احادیث براساس همان نظریه‌ی تاریخ‌مند و ناظر بر یک مقطع تاریخی بودن، کاملاً قابل جمع خواهد بود؛ یعنی در یک مقطع تاریخی، شهر قم به دلیل قدرتی که در دست شیعیان است، کاملاً امن است و بنی‌امیه، بنی‌عبّاس یا دشمنان دیگر نمی‌توانند در آنجا به کسی تعرض کنند؛ و در مقطعی دیگر، ممکن است کسی مثل این حسنی طبرستانی حمله کند، ویرانی به بار بیاورد و امثال اینها. در نتیجه، صرف‌نظر از جنبه‌ی سلسله‌سند، این دو دسته احادیث وقتی به دو زمان مختلف ناظر باشند، ممکن است هر دو معتبر شمرده شوند.

به‌هر تقدیر، این نکته‌ها در رابطه با احادیثی که شهر قم را شهر امن معرفی کرده‌اند، قابل توجه است: یکی بحث اعتبار سندی این احادیث، که بعضاً احادیثی با سند ضعیف در بین اینها وجود دارد؛ دیگر، احتمال اینکه امنیت شهر قم ناظر بر مقطع خاصی باشد و همیشه‌ی تاریخ را دربر نگیرد؛ و سوم هم اینکه ممکن است ناظر بر امنیت اعتقادی شمرده شود و اینکه قم یک پایگاه فرهنگی است که اگر

کسی به آنجا برود، در برابر شبهات دینی که وارد می‌شود، در امنیت خواهد بود و با دسترسی به عالمان و منابع دینی، ایمان او می‌تواند در امان بماند.

نکته‌ی دیگر: مگر قرآن خود کعبه و شهر مکه را حرم امن اعلام نکرده است؟ قرآن فرمود: **أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا**.<sup>۵</sup> به تصریح قرآن، مکه حرم امن الهی است. یا فرمود: **أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يُتَخَفُّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ**.<sup>۶</sup> درست است؟ حالا مکه حرم امن است؟ کعبه حرم امن است؟ کلیپی دیدم از یک آخوند وهابی ایرانی که کلی ذوق کرده بود که حالا مردم دارند در اثر کرونا یا این بیماری‌ها مریض می‌شوند و بعضی‌ها از دنیا می‌روند؛ خوشحال بود که از این فرصت استفاده کند و بگوید دیدید امامان‌تان نتوانستند کاری بکنند؟! خیلی راحت باید به او گفت اگر این‌طور است، خدای شما هم که نتوانست کاری کند آقای وهابی! این چه فهم غلط و جاهلانهای است که تو در این شرایط مبنا قرار داده‌ای برای حمله کردن به تشیع و عقاید شیعیان؟! سؤال می‌کنیم: آیا کعبه حرم امن الهی نیست؟ مسجدالحرام حرم امن الهی نیست؟ یقیناً حرم امن الهی است. آیا در همین شهر مکه، در همین مسجدالحرام، در همین مجاور خانه‌ی خدا، چند سال قبل، عربستان سعودی صدها حاجی شیعه را نکشت؟ اینکه آنها آنجا کشته شدند با اینکه قرآن می‌گوید حرم امن الهی است، چگونه قابل جمع است؟ یا آن کسی که می‌گوید شما می‌گویید حرم اهل بیت علیهم‌السلام به‌گونه‌ای است که اگر انسان برود آنجا، ممکن است مریض شود؟ چطور ممکن است؟ آنجا محل امن است! محال است کسی آنجا مبتلا به بیماری شود. خب سؤال این است: مگر چند سال قبل در حرم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام بمب‌گذاری نکردند و بالای سر حضرت رضا علیه‌السلام آن همه زائر کشته نشدند؛ تکه‌تکه نشدند؟ قدری راجع به این مسأله فکر کنیم و ببینیم ماجرا چیست. همین کعبه‌ای که می‌گویید قرآن تصریح دارد که حرم امن

---

<sup>۵</sup>. سوره‌ی قصص، آیه‌ی ۵۷.

<sup>۶</sup>. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۷.

است، مگر در دوران یزید، کعبه را سنگ‌باران نکردند، آتش‌باران نکردند، آتش نزدند و ویران نکردند؟ پس این چه‌طور حرم امنی است؟! آیا چندین بار سیل نیامد خانه‌ی خدا، کعبه را خراب کرد و دوباره آن را بازسازی کردند؟ این اتفاقات را که می‌دانیم افتاده است. اینها باید ما را به فکر بیندازد که پس معنای امن چیز دیگری است. باطن کعبه است، باطن مسجدالحرام و باطن شهر مکه است که امن است؛ باطن حرم ائمه علیهم‌السلام است که امن است؛ و الا در جنبه‌ی ظاهری که می‌دانیم چیزی که خلاف تعبیر امن است، آن جاها اتفاق افتاده است. حقیقت قم، باطن قم و باطن حرم حضرت معصومه علیها‌السلام فضای امن است؛ و الا فضای فیزیکی و ظاهری آن می‌تواند مورد تعرض قرار گیرد. امن بودن، جنبه‌ی باطنی دارد. بله، اگر کسی در حریم ولایت و حریم توحید وارد شود، آنجا حریم امن الهی است. این به معنای فضای فیزیکی مسجدالحرام یا فضای فیزیکی حرم ائمه علیهم‌السلام نیست. برداشت ظاهری از این مسأله، برداشت بسیار خطایی است.

نکته‌ی دیگر: اگر بحث بیوتروریسم واقعیت پررنگ‌تری پیدا کند؛ همان‌طور که دیدید، خیلی از کشورهای نسبتاً معتبر هم این حرف را تأیید کردند که این ماجرای عادی نیست و یک جنگ طراحی‌شده‌ی شیطنت‌آمیز است که امریکا برپا کرده است. باز آنگونه که نقل شد، پهبادهایی این وپروس‌ها را آوردند روی شهر قم تخلیه کردند. اگر واقعاً این‌طور باشد، خوب می‌شود فهمید که ماجرا چیست. هم آمده‌اند مرکز ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی را نابود کنند، یک؛ دوم، فضایی ایجاد کنند که چنین شبهه‌هایی را بشود طرح کرد؛ یعنی علاوه بر اینکه به کانون روحانیت و قلب انقلاب که شهر قم است، آسیب بزنند، بتوانند بستری درست کنند که بگویند بله، این بیماری از قم توسعه پیدا کرد؛ آخوندها نگذاشتند که این شهر قرنطینه شود و ما هرچه داریم می‌بینیم، از همین قم داریم تحمل می‌کنیم و امثال این حرف‌ها؛ یعنی این طراحی صورت گرفت تا اتفاقاً چنین آسیبی هم بزنند. بنابراین این حرف که گفته‌اند در آخرالزمان، قم محل امن است و به آنجا پناه ببرید، حسابش از این ماجراهایی که پیش آمده، کاملاً جداست و یک نوع سوءاستفاده از این تعبیر است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُم

www.ahlevela.com

اهل ولا

www.ahlevela.com

اهل ولا